

اندیشه اصول پژوهش‌های اسلامی

فعالیت و کوشش جدی و منظم که در قلمرو یک دانش با تحلیل روشمند اطلاعات صورت می‌پذیرد، چنان که به ارائه نظریه، تولید مفهوم، مسئله جدید یا روشی تازه بینجامد...



فعالیت و کوشش جدی و منظم که در قلمرو یک دانش با تحلیل روشمند اطلاعات صورت می‌پذیرد، چنان که به ارائه نظریه، تولید مفهوم، مسئله جدید یا روشی تازه بینجامد، به‌نحوی که در آن دانش تأثیر گذارد، پژوهش خوانده می‌شود؛ بنابراین اطلاعات، تجزیه و تحلیل، نظم و تعلق به قلمروی خاص از علوم و نوآوری، عناصر شکل‌دهنده هر پژوهش به شمار می‌آیند.

1- مفهوم پژوهش در گستره‌های علوم اسلامی: فعالیت جدی، منظم و روشمندی که عالم در اطلاعات و آگاهی‌های مربوط به قلمرو علمی از علوم اسلامی صورت می‌دهد و به رهاوردی نو می‌انجامد، #171؛ پژوهش در گستره‌های علوم اسلامی» خوانده می‌شود. پیشینه این پژوهش‌ها به پیشینه پیدایش هر یک از شاخه‌های علوم اسلامی بازمی‌گردد، تحولات آن، همان فراز و نشیب هر یک از علوم اسلامی است.

2- متن دین اسلام و ضرورت دستیابی به آن: دین اسلام مشتمل بر اصول، فروع و توصیه‌هایی در زمینه ارزش‌های اخلاقی است که از ناحیه پروردگار برای انسان فرستاده شده و به وسیله انبیا و اولیای منتخب به‌صورت پیام و اخبار آسمانی در اختیار بشر قرار گرفته است. کتاب و سنت منابعی‌اند که متضمن متن تعلیمات اسلام هستند.

از آنجایی که مخاطبان دین اسلام انسان‌ها هستند و خداوند با مخاطب قرار دادن آنها انتظار دریافت پیام و اعتقاد و ایمان به برخی از بخش‌های آن و التزام و پایبندی عملی به بعضی دیگر را دارد، لذا آگاهی از متن پیام و فهم آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که آدمیان چگونه می‌توانند دین را دریافت کنند و آن را بفهمند؟ بدون تردید آنها نیازمند به ابزار و روش‌هایی هستند که آموزه‌ها و تعالیم دین را از آیات و روایات برایشان مفهوم کرده و اصالت آنها را اثبات کند. مجموعه‌ای از علوم و معارف که محصول پژوهش جمعی و تاریخی هزاران عالم مسلمان است، ابزاری است که فهم متن دین را برای انسان میسر می‌سازد و تفقه نیز همان فرایندی است که بدون آن نمی‌توان به حقیقت دین دسترسی پیدا کرد و اصالت آن را اثبات کرد؛ محصول تفقه جامع، فراگیر و تدریجی عالمان مسلمان برای فهم دین اسلام و به‌کارگیری همه قواعد زبان‌شناختی و اصول عقلی و عقلایی، مجموعه‌ای از علوم و معارف را شکل داده است که اصطلاحاً آن را #171؛ علوم و معارف اسلامی» می‌گویند.

3- اقسام علوم اسلامی: متن دین اسلام نظر به جامعیت، شمول، فراگیری و جاودانگی آن، تعالیم و آموزه‌های غنی و متنوعی دارد که مجموع آنها با عنایت به ابعاد سه‌گانه فطرت و عقل، صفات و ملکات، اعمال و افعال آدمی به 3 قسم اساسی عقاید، اخلاق و احکام تقسیم می‌شود:

1- 3- بخشی از آموزه‌ها و تعالیم اسلامی که ناظر به شناخت مبدأ و معاد و کیفیت رابطه انبیا با خداوند متعال هستند، این تعالیم را اصول عقاید می‌گویند. اصول عقاید را باید شناخت و به آن ایمان آورد. علمی را که در زمینه اصول عقاید بحث می‌کند، علم کلام می‌نامند.

2- 3- آموزه‌ها و تعالیمی که مشتمل بر توصیه‌ها و توصیف‌ها از فضیلت‌های نفسانی و ارزش‌های رفتاری مانند تقوا، عدالت، وفا، صداقت، شجاعت و... است، اخلاق نامیده می‌شود. علمی را که درباره این نوع آموزه‌ها و تعالیم بحث می‌کند، علم اخلاق می‌گویند.

3- 3- آموزه‌ها و تعالیم مشتمل بر بایدها و نبایدهایی در زمینه عمل و فعل فردی و اجتماعی انسان است که در اصطلاح از آنها به #171؛ احکام» تعبیر می‌شود. علمی را که در زمینه ادله احکام و مقررات عملی اسلام بحث می‌کند، علم فقه می‌گویند. این سه شاخه علوم اسلامی که از تعالیم سه‌گانه متن اسلام بحث می‌کنند، مهم‌ترین شاخه‌های علوم اسلامی را شکل می‌دهند ولی علمی که از اصول و فروع یا گزاره‌ها و توصیه‌های اخلاقی بحث می‌کنند بیشتر از موارد سه‌گانه مذکور هستند؛ چنان‌که می‌توان علم قرائت، علم تفسیر و علم حدیث را علاوه بر علم کلام نقلی، علم فقه و علم اخلاق نقلی از علوم اسلامی به شمار آورد.

از منظری موسع، علوم اسلامی چنان گستره‌ای دارد که هر شاخه از علوم و معارفی را که مقدمه علوم مذکور باشند یا هر علمی را که پیش‌فرض‌ها و مبادی آن از آموزه‌های اسلامی است در بر می‌گیرد؛ یعنی کلام عقلی، اخلاق عقلی، حکمت الهی، منطق، اصول فقه، رجال، درایه و ادبیات عرب را نیز شامل می‌شود.

بنابراین، از دیدگاه اخیر، علوم اسلامی را می‌توان به 2 دسته نفسی و غیرنفسی تقسیم کرد؛ علوم اسلامی‌ای که در آنها مستقیماً آموزه‌های شکل‌دهنده متن تعالیم دینی مورد بحث قرار می‌گیرد مانند علم کلام نقلی، فقه و اخلاق نقلی، علوم نفسی اسلامی خوانده می‌شوند. علوم نفسی اسلامی، حقیقتاً اسلامی به شمار می‌آیند؛ زیرا تمامی فرایندها پژوهش در آنها برای کشف حقیقت تعالیم و آموزه‌های مندرج در متن اسلام صورت می‌پذیرد ولی علوم غیرنفسی به اعتبار ارائه برخی مبادی تصوری و تصدیقی یا اعتباربخشی به شیوه استدلال یا ارزش بخشی به موادی که کارکرد مذکور را برای علوم نفسی اسلامی میسر می‌سازند یا الهام از آموزه‌های اسلام در طرح مسئله و فرضیه یا به دست دادن حد وسط‌های استدلال‌ها از اسلام جزء علوم اسلامی محسوب می‌شوند.

4- غایت در پژوهش‌های اسلامی: چنان‌که یادآور شده‌ایم، علوم اسلامی محصول تلاش جمعی و تاریخی صدها عالم برای کشف حقیقت تعالیم دینی است؛ بنابراین غایت آنها کشف تعالیم و درک حقیقت پیام الهی و ارائه آن به مخاطبان است.

5- مسائل پژوهش‌های اسلامی: از منظر مسئله‌شناسی، مسئله اسلامی، نگرش کلی یا مقرر عملی یا توصیه اخلاقی است که در تعالیم دینی به صورت یک گزاره وجود دارد یا از صلاحیت وجود در تعالیم اسلامی برخوردار است یا به نحوی در گستره علمی از علوم مقدمی اسلامی در کشف حقیقت دین یا اثبات حقانیت آن مؤثر می‌افتد. بنابراین با به کارگیری معیارهای مذکور می‌توان مسئله‌ای را اسلامی تلقی و با شناخت ماهیت مسئله و تجزیه و تحلیل آن، جایگاه آن را در گستره‌های علوم اسلامی تعیین کرد.

6- تعهد به کشف حقیقت دین: بدون تردید پژوهشگر در علوم اسلامی علاوه بر اینکه باید آموزه‌ها و تعالیم متن دین را بفهمد و تفسیر و توجیه کند، چه بسا لازم باشد بر اصالت و حقانیت آنها استدلال کند؛ چنانچه متکلم نمی‌تواند فارغ از تصدیق و تکذیب و اثبات و ابطال به فعالیت پژوهشی مبادرت ورزد بلکه باید در مقام قضاوت و داوری بنشیند و بر حقانیت آموزه‌ها و تعالیم دینی با استدلال تأکید بورزد؛ بنابراین در غالب پژوهش‌های اسلامی، فعالیت پژوهشگر، متعهدانه برای کشف حقیقت دین و استدلال بر حقانیت آن است.

7- همبستگی در عین تمایز میان علوم اسلامی، بستر تعامل پژوهشی: میان تعالیم و آموزه‌های متنوع دین اسلام ارتباط تنگاتنگی وجود دارد؛ به نحوی که می‌توان از برخی گزاره‌ها چون ««؛ لا اله الا الله» هم توحید را دریافت و هم بایدها و نبایدهای عملی را انتظار داشت و توصیه اخلاقی را نیز مطالبه کرد. بنابراین یک آموزه ممکن است با توجه به حیثیت‌های مختلف، صلاحیت بررسی در علوم متفاوت اسلامی را پیدا کند. این واقعیت از نوعی همبستگی در آموزه‌های مندرج در متن تعالیم دینی حکایت می‌کند که موجب همبستگی در علوم اسلامی نیز می‌شود؛ همبستگی علوم اسلامی بستری مناسب برای تعامل پژوهشی علوم اسلامی تلقی می‌شود؛ چنان‌که از گزاره کلامی پیامبران و ائمه (ع) معصومند، در مباحث اصولی چون حجیت قول پیامبر (ص) و امام (ره) می‌توان بهره جست یا از نتایج پژوهش‌های متکلمان در پاسخ به سؤالات کلامی در زمینه چرایی مقررات عملی و احکام شرعی استفاده کرد.

علوم اسلامی می‌توانند در مفهوم‌سازی و مسئله‌آفرینی در همدیگر مؤثر افتند و موجب توسعه و تکامل همدیگر شوند. این ثمره مبارک، معلول تعامل میان آنهاست. به عنوان نمونه، فلسفه اسلامی و کلام اسلامی در همدیگر تأثیر کرده‌اند، یکی از تأثیرات این است که کلام برای فلسفه مسائل جدیدی جبراً مطرح کرد و فلسفه نیز دایره کلام را وسعت بخشید؛ به این معنی که ضرورت طرح بسیاری از مسائل فلسفی در قلمرو کلام لازم شناخته شد، چنان‌که بحث جبر و اختیار انسان و قضا و قدر الهی، بحث عدل را مطرح ساخت زیرا رابطه و نسبتی روشن میان جبر و ظلم از یک طرف و اختیار و عدل از طرف دیگر مشاهده می‌شود. بحث عدل، بحث حسن و قبح ذاتی افعال را به میان آورد و این بحث نیز بحث عقل و مستقلات عقلیه را به میان آورد. و اینها همه بحث ««؛ حکمت» یعنی غایت و غرض حکیمانانه داشتن ذات الهی را موجب شد و کم‌کم بحث به توحید افعالی و سپس به توحید صفاتی کشیده شد. به این جهت بسیاری از مسائل که در گستره فلسفه بود، در قلمرو دانش کلام هم قرار گرفت.

8- تنوع روش‌ها در پژوهش‌های اسلامی: پژوهش‌های اسلامی، به دلیل تنوع موضوع و وسعت گستره مباحث و پیچیدگی مسائل و گوناگونی مقاصد، از روش‌های متنوعی برخوردارند. هر یک از علوم اسلامی دارای روش خاص خود است، علاوه بر آن، چه بسا برخی از علوم، نقش منطق و روش‌شناسی را برای علوم دیگر ایفا می‌کنند؛ چنان‌که دانش اصول فقه، منطق و روش‌شناسی فهم احکام و مقررات عملی دین را ارائه می‌دهد. در دانش اصول فقه کیفیت استفاده از مباحث عمومی زبان‌شناختی برای دستیابی به قواعد عرفی و اجتماعی بحث می‌شود همان‌گونه که علم اصول در مبحث تعارض ادله با تکیه بر قواعد نقلی راه‌حل‌های تعارض را ارائه می‌دهد و با عنایت به مصدریت عقل برای کشف حکم شرعی، روش عقلی را پیش‌بینی می‌کند؛ بنابراین اصول فقه مشتمل بر روش‌های متنوع دستیابی به پیام الهی بوده که در کتاب و سنت منعکس است.

پژوهشگر اسلامی در فهم و تفسیر کتاب باید از همه ظرفیت دلیل لفظی، قیاسی و حتی استقرایی بهره جوید. تنوع روش، اختصاص به علوم نفسی اسلامی ندارد بلکه فیلسوفان اسلامی در هستی‌پژوهی خود نیز روش‌های متنوعی به کار گرفته‌اند. بنابراین پژوهش‌های اسلامی دارای روش‌های پژوهشی متنوع و متکثرند. به هر حال، تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری‌شده در قلمرو و گستره هر یک از علوم اسلامی با عنایت به روش، یا روش‌های پژوهش در همان علم باید صورت پذیرد تا از اعتبار علمی برخوردار باشد.

9- تجدید و تکامل‌پذیری روش‌ها: همه عناصر شکل‌دهنده روش‌های پژوهش اسلامی ایستا و ثابت نیست بلکه روش‌های پژوهشی از ظرفیت و قابلیت تجدید و تکمیل‌پذیری برخوردار است؛ چنان‌که تکامل تدریجی علم اصول فقه نمونه تکامل‌پذیری روش پژوهش در علم فقه است.

10- تغییر نگرش نسبت به دین و روش‌های متناسب با آن: اگر دین را به‌عنوان واقعیت روانی، اجتماعی، تاریخی یا معرفتی در نظر بگیریم، به‌نحوی که دسترسی به آن با مراجعه به کتاب و سنت ضرورت نیابد، هر یک از ابعاد واقعیت‌های مذکور، مبادی و روش پژوهش خود را می‌طلبند و قلمرو علمی مستقل از دیگری را نتیجه می‌دهد و به تشکیل علوم گوناگون چون روانشناسی اسلام، جامعه‌شناسی اسلام، تاریخ اسلام، فلسفه دین اسلام و مانند آن می‌انجامد.

دانشیار دانشگاه شهید مطهری

دکتر ابوالقاسم نقیعی